

آزاد بخوانان ایران متحد شوید!

ده پرسش و پاسخ

پیرامون

جنگ ایران و عراق

جمشید آریانیور

## فهرست

مقدمه

- ۱ بخش نخست : ده پرسش پیرامون جنگ ایران و عراق و پاسخ "جمهوریخواهان ملی"
- ۶ بخش دوم : بررسی پاسخهای "جمهوریخواهان ملی"

## مقدمه

۱۰ پرسش پیرامون جنگ ایران و عراق و بررسی مواضع انحرافی "جمهوریخواهان ملی" در تاریخ خرداد و آبان ماه ۱۳۶۴ برشته تحریر درآمد. همانگونه که خوانندگان عزیز در ذیل ملاحظه میکنند؛ در بخش نخست ۱۰ سوال مطرح شد که خطاب به "جمهوریخواهان ملی" میباشد و آنان جوابهای خود را ارائه دادند. در بخش دوم پاسخیهای "جمهوریخواهان ملی" مورد بررسی قرار گرفته است. بعقید نگارنده، پرسشهای دهگانه و مقایسه جوابهای ارائه شده با بررسی پاسخها میتواند بعنوان معیاری برای شناخت مواضع کلیه افراد، گروهها و نیروهای کد رباره جنگ ایران و عراق به اظهار نظر پرداخته اند، مورد استفاد قرار گیرد. متأسفانه وجود اینکه جنگ ایران و عراق وارد هفتمین سال خود گردیده و در طی این مدت بجز چند تن انگشت شمار که توانسته اند به مسئله جنگ برخورد صحیح نمایند، هیچیک از افراد و نیروهای سیاسی ایران نتوانسته اند بر اساس واقعیات مشخص ایران و منطقه و حقیقتی که بر آن واقعیات استوار است در مورد جنگ ایران و عراق بموضع گیری صحیح، همه جانبه و راه گشایرند. بدین ترتیب سردرگمی ها و ابهامات همچنان ادامه دارد و وفق مبارزات آزاد یخواهان همچنان نامعلوم و تاریک است. در عین حال نگارنده از کلیه آزاد یخواهان مرفقی ایران میخواهد تا نظرات خود را در رابطه با پرسشهای دهگانه و مسایل مطرح شده در باره جنگ ایران و عراق ابراز دارند و به نقد صریح و بی شائبه از مقاله بپردازند. امید است بدین ترتیب لا اقل در این شرایط بحرانی آزاد یخواهان راستین ایران بتوانند از طریق بحث و انتقاد و تبادل نظر بر اساس واقعیات ملموس به یک نتیجه روشن و واحد در مورد جنگ ایران و عراق بعنوان یکی از مهمترین مسایل میهن دوست یابند.

### بخش نخست

## ده پرسش پیرامون جنگ ایران و عراق و پاسخ "جمهوریخواهان ملی"

پرسش اول - کدامیک از د و کشور ایران و عراق تحت لوای "صد و انقلاب اسلامی" مدت های پیش از آغاز جنگ به در حالت در امور داخلی کشورهای همسایه پرداخت و زمینه ایجاد جنگ را با تحریکات بسیار برای سرنگون کردن دولت های همسایه بوجود آورد؟

پاسخ - سوال کنندگان محترم فراموش کرد ه اند که طبق د لایل واسناد غیر قابل انکار و مستند به اعترافات آقای صد ام حسین ، عراق اساسا د فکر حمله نظامی به ایران - تجدید ما جرای قادیسیه - و به این منظور د انتظار بهانه های برای تجا و ز نظامی بود . اگر طبق قول سوال کنندگان محترم " د خالت د رامور د اخلی کشورها " از سوی د ولتی مبنای "تجا و ز نظامی " د ولت د یگر قرار میگرفت ، تقریبا همه کشورهای جهان باید بطور دائم ، د رحال و گذشته و آینده ، بایکد یگرد رحال جنگ و لشکرکشی ود خالت مستقیم نظامی باشند بنابراین ، از یک طرف صرف " د خالت د رامور د اخلی کشورهای همسایه " و تبلیغ و تحریک و خرابکاری نمیتواند توجیه کنند ه د خالت نظامی و تجا و ز مسلحانه د ولتی به خاک د ولت د یگر باشد . از طرف د یگر ، آیا سوال کنندگان محترم د لایل واسنادی د دست د ارند که طبق آنها عراق د فکر حمله نظامی به ایران نبود و یاد د انتظار بهانه های برای تجا و ز نظامی به خاک ایران نشسته بود ؟

آن د سته از افراد و گروه های سیاسی ایرانی که باد ولت عراق سرسری د ارند و از کمک های مالی و سیاسی آن برخوردارند ، چنین استدلال میکنند که " مسئول واقعی جنگ ایران و عراق ، خمینی است " . آزاد ی خواهان و ملیون ایران این استدلال رانی پذیرند . زیرا برواقعیت استوار نیست . واقعیت این است که " رژیم حاکم عراق مسؤلیت آغاز جنگ د ر پائیز سال ۱۹۸۰ به انگیزه خود بزرگ بینی ، برتری طلبی و کشورگشائی با تمام خسارات وارد ه آن به ملت ایران بر عهد ه د ارد . "

د هر حال کسی که قصد آغاز جنگ راند اشتها باشد ، پاسخ تبلیغات و تحریکات را با تجا و ز نظامی نمیدهد . تجا و ز نظامی د ولت عراق به ایران به هیچ وجه متناسب با تبلیغات و تحریکات و وعده ه " صد ور انقلاب اسلامی " رژیم جمهوری اسلامی نیست . مسؤلیت آغاز جنگ باد ولتی است که دست به تجا و ز نظامی زد ه و به خاک ایران لشکر کشید ه است . و این موضوع هیچ ربطی به مخالفت سیاسی و اصولی مابا رژیم ولایت فقیه نندارد .

### پرسش دوم - منافع کد امیک از د رژیم ایران و عراق د ر اد امه جنگ نهفته است ؟

پاسخ - رژیم استبدادی عراق ورهبر خود خواه و خود بزرگ بین و قدرت طلب آن صد ام حسین که د ر کشور خود با مشکلات سیاسی و اجتماعی فراوانی روبرو بود ، مانند اکثر قریب به اتفاق رژیم های د یکتاتوری ، تصور میکرد با حمله نظامی به ایران ( ایرانی که قدرت نظامی و ارتش آن تا حد زیادی مضمحل شد بود و ولتش با هزارویک مشکل ریزود رشت و از جمله تعدد د مراکز تصمیم گیری دست به گریبان بود ) و بابدست آوردن یک پیروزی نظامی آسان و سریع ، هم مشکلات د اخلی خود راتحت الشعاع قرار میدهد و هم موفقیت سیاسی و اقتصادی و اهمیت و اعتبار (پرستیژ) د بیلماتیکی بزرگی نصیبش میشود . اما وقتی د رمیدان عمل د یدر خلاف آنچه مشاوران نظامی و سیاسی عراقی و " ایرانی " اش به او گفته بودند ، نه تنها د ر این جنگ پیروزی نظامی آسان و سریعی به دستش نیامد ، بلکه احتمال د ارد با شکست نظامی ( سیاسی ) مواجه شود و د هر حال توانائی و قدرت تحمل یک جنگ فرسایشی د رازمدت را ( نه از نظر اقتصاد و نه از لحاظ نیروی انسانی )

ندارد، متوجه شد که ادامه جنگ برایش "منافعی" ندارد. بهمین دلیل (ونه به خاطر احساسات بشری در ستانه و یا احترام به حقوق و منافع مردم ایران) تقاضای خاتمه دادن به جنگ (جنگی را که خود آغاز کرد) را کرد.

امادولت جمهوری اسلامی که موفق شد میود (باتحریرک احساسات ضد دشمن تجاوزگر و پرده اخت بهای انسانی بسیار سنگین) ارتش عراق را به عقب راند و پیروزی‌هایی در جنبه جنگ بدست آورد، مست باد فرورشد و تصور کرد که در طول چند روز و چند هفته کربلا و بغداد (و سپس اورشلیم) را نیز فتح خواهد نمود ویرجمن انقلاب اسلامی را در سراسر عراق (و بعد در سایر کشورها) به اهتزاز در خواهد آورد. و به همین دلیل جنگ را ادامه داد (علاوه بر بهره‌برداری سیاسی و اجتماعی که از این "رحمت و برکت" - بقول آقای خمینی - در داخل ایران برای کوبیدن میخ استبداد دینی میگرد). در ظاهر امر، منافع رژیم ولایت فقیه در ادامه جنگ نهفته است که ارتباطی به ملت ایران - ملت مخالف جنگ - ندارد.

وقتی تجاوز نظامی در ولت عراق نتوانست به پیروزی برسد مجبور به عقب نشینی شد، دیگر "منافع رژیم عراق در ادامه جنگ نهفته" نبود. اما این امر سرسوزنی از مسئولیت در ولت عراق در تجاوز نظامی به ایران نمی‌کاهد. مخالفت سیاسی و اصولی ما با رژیم ولایت فقیه کمترین تغییری در این واقعیت نمیدهد.

### پرسش سوم - کدامیک (از رژیم ایران و عراق) خواهان پایان جنگ هستند؟

پاسخ - پایان جنگ، چنان که از این پیش نیز گفتیم، به سود عراق است، پس رژیم عراق خواهان پایان جنگ است. اما این امر چیزی را در زمینه آغاز جنگ، یعنی آغاز تجاوز نظامی عراق به خاک ایران، ثابت نمیکند.

پرسش چهارم - آیا رژیم اسلامی، با عمد نمودن جنگ به عنوان مسئله اصلی، به تحکیم و تثبیت ارگان خود نپرداخته است؟

پاسخ - رژیم اسلامی، برخلاف تصور سؤال کنندگان، هیچیک از ارکان اجتماعی - اقتصادی - اداری - نظامی - فرهنگی خود را به عنوان یک دولت و یک سیستم سیاسی تحکیم و تثبیت ننموده است. رژیم اسلامی برد و محور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه میدهد.

پرسش پنجم - آیا آن گونه که رژیم خمینی و برخی از احزاب و سازمانها را وایل جنگ ابراز میکردند، جنگ ایران و عراق یک جنگ میهنی است؟

پاسخ - رژیم بعثی عراق و رژیم اسلامی ایران هیچیک رژیم وابسته به حاکمیت ملت و نمایندگانه آرای واقعی مردم نیستند. اما آیا مردم ایران (حتی کسانی که دشمن قسم خورد رژیم اسلامی هستند) میتوانند تجاوز نظامی عراق را به میهن خویش ببینند و خاموش بنشینند و بگذارند دشمن خارجی ایران را تسخیر و

تصرف کند و دولت دست نشانده خود را بر سر کار آورد و بیا بخشی از کشور ما (مثلا خوزستان) را ضمیمه سرزمین عراق کند؟ واقعیت این است که همپاسد اران و هوا خواهان رژیم اسلامی و هم جوانان و سربازانی که به جمهوری اسلامی علاقه و عقیده‌های ندارند، اما سرزمین آباء و اجدادی خود را دست دارند و تصمیم گرفتند و بار بار سرنوشت میهن خود و نظام سیاسی آن را حق خود میدانند، به دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور خود پرداختند و دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند. بنابراین جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمام‌عیار میهنی بود.

پرسش ششم - آیا ارتش و سپاه پاسد اران میتوانند مستقل از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم اسلامی عمل کنند؟

پاسخ - اگر منظور این است که، در حال حاضر ارتش و سپاه پاسد اران میتوانند مستقل از سیاستهای رژیم اسلامی (و مثلا بر ضد رژیم اسلامی) عمل کنند، تا جایی که ما اطلاع داریم، پاسخ منفی است.

پرسش هفتم - با در نظر گرفتن اینکه نمیتوان در آن واحد دارای دشمن اصلی بود، دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

پاسخ - ملت ایران و آزاد یخواهان ایرانی دشمنان داخلی و دشمنان خارجی فراوانی دارند. در اوضاع و احوال کنونی، خمینی و رژیم ولایت فقیه در رأس دشمنان داخلی و صد ام‌حسین و دولت عراق (که مسئول تجا و نظامی به خاک ایران و بمباران شهرها و همد فهای غیر نظامی و ایجاد تلفات انسانی و خسارات اقتصادی و ویرانی میهن ماست) دشمن خارجی شماره یک مردم ایران هستند، آن دسته از گروه‌ها و احزاب سازمانهای سیاسی ایرانی که با دولت عراق سر و سری دارند و از کمکهای مالی و سیاسی آن برخوردارند، این "تزو" را تبلیغ و ترویج میکنند که "دشمن اصلی رژیم اسلامی است". و تصور میکنند که با این استدلال میتوانند همکاری سیاسی و نظامی و تبلیغاتی خود را با دولت عراق توجیه کنند. نباید فریب آنان را خورد - و مردم ایران فریب آنان را نخواهند خورد.

پرسش هشتم - آیا آزاد یخواهان ایران میتوانند قبل از سرنگونی رژیم اسلامی بطور "نا خود آگاه" به سخنگوی جمهوری اسلامی تبدیل شده و در رون اپوزیسیون تقاضای خسارات وارد و از دولت عراق را بنمایند؟

پاسخ - اصل پرداخت غرامت برای طرفی که مقدمات تجا و نظامی و اشغال خاک طرف دیگر بود، جز اصول و کنوانسیونهای بین‌المللی است. چون ما با رژیم ولایت فقیه مخالفیم نمیتوانیم فقط به این دلیل این واقعیت را نادیده بگیریم. دولت عراق چون مسئول آنا جنگ با ایران است باید اصل پرداخت خسارات وارد را

بپذیرد. بنابراین، بیان این مطلب خود به خود کسی را تبدیل به سخنگوی جمهوری اسلامی نمیکند. نکته دیگر این که تقاضای پرداخت خسارات وارده فرع بر آتش بس و آغاز مذاکرات صلح و مرتبط با توازن قسوی نظامی و سیاسی طرفین دعوا و میزان ضرورت و نیازی است که هریک از طرفین برای رسیدن به صلح دارد. طبق تخمین‌هایی که متخصصین اقتصاددانان مورد اعتماد ما میزنند، میزان خسارات اقتصادی از آغاز جنگ عراق با ایران تا پایان سال ۱۳۶۳ بالغ بر چهارصد میلیارد دلار است. سوال ما از شما این است که: آیا هیچ ایرانی با انصاف و واقع بینی که یک ذره به سرنوشت ایران و ملت ایران علاقه و وابستگی داشته باشد، میتواند از تقاضای پرداخت خسارات وارده به منظور بازساختن تاسیسات صنعتی آبادان و خرمشهر و خانه‌های مردم آواره و مدارس و... صرف نظر کند؟ آیا ایران ملک طلق خمینی و رفسنجانی و منتظری و خامنه‌ای و خلخالی است که آزاد یخواهان ایران از ترس این که فرامت به آنان پرداخت گردد و "ملاخور شود"، از تقاضای پرداخت غرامت از دولت متجاوز چشم‌پوشند؟

دفاع از منافع و مصالح ملت ایران، در آحاد و جماعات آن، تبدیل شدن - حتی بطور ناخود آگاه - به سخنگوی جمهوری اسلامی نیست. به نظر جمهوریخواهان واقعی و آزاد یخواهان آگاه ایران رژیم اسلامی (نظیر هر رژیم مستبدی) که مشروعیت خود را از زیر پا گذاشتن قانون اساسی مصوب خود ملاحظه میگیرد و اساس حکومتش بر تجاوز دائمی به حقوق مردم ایران است، از بیخ و بن فاقد مشروعیت میباشد.

پرسش نهم - در چنین صورتی، در هنگامیکه رژیم اسلامی برای ایران حاکم است، این خسارات به کدام مرجع از طرف عراق باید پرداخت گردد؟ و اگر دولت عراق "به مسئولیت شروع جنگ گردن نهاده پرداخت خسارات وارده را با احوال سریع امر به اوروی در یک مرجع بین المللی بپذیرد" و به رژیم ایران خسارات وارده را بپردازد، آیا دریافت چنین خساراتی کمک به تحکیم رژیم جنایتکار اسلامی نمیکند و آزاد یخواهان ایران در این مورد چه موضعی را باید اتخاذ کنند؟

پاسخ - گرفتن غرامت (به ویژه با توضیحاتی که در پاسخ به سوال پیشین درباره آن دادیم) به هیچ وجه به تحکیم جمهوری اسلامی منتهی نمیشود. زیرا رژیم ولایت فقیه از اساس قابل تبدیل شدن به یک سیستم سیاسی مقید به قانون نیست. رژیم جمهوری اسلامی، اگر میتواند، عوامل و امکاناتی خیلی بیشتر از غرامت جنگی از عراق (به فرض که واقعا پرداخت شود) برای تحکیم و تثبیت خود داشت. اما چون رژیم اسلامی فاقد مشروعیت است، دلیل بر این نمیشود که دولت مهاجم متجاوز عراق از پرداخت بهای ویرانگریهای خود نسبت به داریها و تاسیسات متعلق به مردم ایران (که حاصل رنج و زحمت و استثمار چندین نسل و ثروت انباشته ملت ایران است) معاف گردد یا از پرداخت آن سر باززند.

پرسش دهم - اگر شرایط کنونی عراق به ایران تجاوز کند (مانند اوایل جنگ) وظیفه آزاد یخواهان ایران چیست؟ آیا آزاد یخواهان ایران میتوانند با رژیم اسلامی در یک صف واحد بر علیه دشمن خارجی به

پاسخ - این سوال ذهنی و مجرد از واقعیت است. آیا "در شرایط کنونی" عراق به ایران تجاوز نمیکند ؟ آیا تجاوز هوایی عراق به ایران ، "تجاوز" نیست ؟ باید از مرد می دفاع (وی گناه) شهرهای ایران که زیر آتش بمبهای عراق می سوزند یا به قتل می رسند و یا مثل مرغسرید می پریزند ، بپرسید آیا این تجاوز هست یا نه ؟ وظیفه این آزاد خواهان محکوم کردن تجاوز و دفاع از حقوق و منافع و مصالح ملت ستمدیده ایران است و تلاش و کوشش برای فراهم آوردن زمینه مساعد داخلی (ضدیت هر چه بیشتر مردم با ادامه جنگ) و زمینه مساعد خارجی (در خالت سازمانهای هواخواه حقوق بشر و طرفدار صلح و میانجیگری کشورهای غیر متعهد به بلوک های نظامی و دولت های اسلحه فروش) برای وارد آرسا ختن دولت عراق و دولت ایران به قبول آتش بس و آغاز مذاکره منظور است یافتن به صلح است . جنگ عراق با ایران برای ملت ایران و ملت عراق نتیجه ای جز ویرانگری ، مرگ ، اسارت و عقب ماندگی اقتصادی بیشترند ارد . باید هر چه زود تر به این جنگ ابلهانه و بی حاصل وزیران بخش پایان داد .

## بخش دوم

### بررسی پاسخهای "جمهوریخواهان ملی"

قبل از بررسی و تکلیف در جوابهای آقایان پاسخ دهند ، ذکر و نکته ضروری بنظر میرسد : خوشبختانه با وجود کمبودها و کاستی های فراوان در بین اپوزیسیون ، ما در شرایطی بسر میبریم که مرشعارهای تو خالی ، ابهام گوئی ها و کلی گوئی ها بسر آمد و مورد مباحثه مارگزید های که از ریسمان سیاه و سفید میترسد ، کلیه مواضع برخورد های مطرح شد نیروهای سیاسی را با درقت و وسواس خاصی مورد بررسی و تعمق قرار میدهند و کمتر فریب تهمت ها ، روئها و عوام فریب های گوناگون را میخورند . مردم این روزها با صراحت از کلیه آن کسانی که در اعیهرهبری روشن فکری دارند ، میخواهند دست از کلی گوئی ها و انشاء نویسیهای متداول در باره آزادی ، در مکرسی ، استقلال و قوانین حقوق بشر برداشته و بطور روشن در باره مسایل مشخص و عمدتاً ایران موضعگیری کنند . با در نظر گرفتن این امر جواب آقایان پاسخ دهند به پرسشهای در هگانه مطرح شد بسیار بموقع و بجابود است . در باره نکته دوم باید گفت : جای بسی تاسف و تحیر فراوان میباشد که برخلاف ارسال نامه های مکرر و اظهار علاقه و پیشنهاد به همکاری و وحدت از جانب برخی از دوستان امضاء کنند میانیه شانزدهم آذر ماه ۶۲ جمهوریخواهان ملی ایران بانشریه "آزادی ایران" ، آقایان پاسخ دهند چگونه ای

دیگری ما برخوردار نمود هاند. آنان با کمال بی انصافی در پاسخ به پرسشهای ما، کلیه گروهها، افراد و شخصیت‌هایی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را مسئول جنگ ایران و عراق و ادامه آن میدانند را عامل دولت عراق خواند هاند. آقایان نویسندگان مسئول جوابها در رجائی دیگری را نیز از این فراتر گذارد و با تعصبی خاص و شیوه‌های آشنا اما منسوخ و بر ملاحظه ما و کلیه آن نیروها، افراد و شخصیت‌هایی که معتقدند دشمن اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی است رابه "محاكمه" کشاند و با تازیانه تهمت و افترا وابسته به عراق و عامل خارجی قلمداد نمود هاند. هدف آقایان از این تهمتها و برچسبها اینست که مردم مرعوب شوند و بهراسند تا دیگری کسی جرات نکند بگوید: دشمن اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی است. حال ما از خوانندگان عزیز و کلیه آن نیروهای که به مکر اسبی اعتقاد دارند میپرسیم چگونه و با چه روشی میتوان با این قبیل آقایان به بحث و گفتگوی مکرراتیک پرداخت؟

برخی از دوستان ابراز نمودند: کسانی که با شمشیر چوبین افترا و دروغ به میدان میایند را باید بحال خود گذارد تا مانند همگنان و همکیشان خود در هنگام رو برو شدن با واقعیتها، نتیجه اعمال و برخوردهای خود را ببینند و از پشای در آیند. اما ما عمیقاً معتقدیم که باید با برخوردهای ضد مکرراتیک در رون اپوزیسیون پراکنده و ناهمگون در هر شکل و صورتی به مبارزه‌های جدی، سخت، طولانی و همه جانبه دست یازید. زیرا تنها از این راه است که میتوان در راه ایجاد مکر اسبی و آزادی ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی قدمی فراتر گذارد. بعلافت فوق و همچنین برای عیان نمودن و روشن کردن برخی از نقطه‌های تاریک و ابهام انگیز جنگ ایران و عراق - بمثابه یکی از مسائل و معضلات اساسی و عمده جامعه ایران - ما به بررسی جوابها و مواضع پاسخ دهندگان میپردازیم و جواب صحیح را ارائه میدهم:

### درباره پرسش اول:

رژیم جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم مذ هبی - فاشیستی و جنگ طلب از همان روز اول بدین سبب بوجود آمد تا بتواند با بمبند کشیدن ملت ایران، کشوری را ویران کند و در جهت تجا و زوتعدی و در خالت در امور داخلی کشورهای منطقه مورد استفاد ه قرار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم آلمان هیتلری ذاتاً جنگ طلب و تجا و زکار است و حیات وی بستگی به سرکوب مردم ایران در داخل کشور و ایجاد بی ثباتی و آشوب و تجا و ز در خارج از مرزهای ایران دارد. بهمین دلیل است که رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا با مطرح کردن شعار "صد و رانقلاب اسلامی" مصمم بود هاست تا "انقلاب اسلامی" رابه کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحد عربی، اردن، مصر، اسرائیل و... صادر کند. رژیم اسلامی بطور فعال گروههای تروریستی را آموزش میدهد تا بتواند در کشورهای منطقه، از طریق اقدامات تروریستی زمینه آشوب و بحران را فراهم آورد و انقلاب اسلامی خود را صادر کند. رهبران رژیم اسلامی بارها بطور علنی و روشن از اهداف خود در جهت اسلامی کردن منطقه سخن راند هاند. آنان با توجه به موقعیت کشورهای همسایه،

عراق رابعنوان ضعیفترین و مناسب ترین نقطه برای " صد و انقلاب اسلامی " در نظر گرفتند . بنا بر این رژیم جمهوری اسلامی مدتها پیش از آغاز جنگ سرنگونی دولت عراق را جز برنامه خود قرار داد . البته هدف اصلی رژیم جمهوری اسلامی در این امر نهفته بود که با تحریک عراق وی را وارد حمله و تجاوز علنی کند . رژیم در شرایطی تحریکات علنی خود را علیه عراق تشدید نمود که در داخل ایران مواجها موج اعتصابات کارگری و مبارزات وسیع مردم ایران از جمله دانشجویان ، دانش آموزان ، کارمندان و دهقانان شد . و بارش این مبارزات موقعیت سیاسی خود را در خطر میبرد . بنا بر این با حمله و تجاوز نظامی عراق به خاک ایران دولت عراق در دام گسترده ج . ج . ۱۰ در غلطید و عملاً " مسئله اصلی " ایران بصورت " جنگ میهنی " درآمد که رهبران و تنوریسینهای کارگشته رژیم آرزوی به وقوع پیوستن آنرا از مدتها پیش در سری پروراندند .

متاسفانه ، آقایان نویسندگان پاسخ دهند و ن توجه به این واقعیتها و مسایل اساسی و ماهیت واقعی رژیم اسلامی ، با اتخاذ مواضع غلط در مورد زمینه ایجاد جنگ ایران و عراق ، خود را در موقعیتی قرار میدهند که نتیجتاً مجبور میشوند به دفاع و خونخواهی از رژیم جمهوری اسلامی برخیزند . و همان سخنان را در جهت " دفاع از میهن " و جلوگیری از تجدید ماجرای قادیسیه " ابراز کنند که تنوریسینهای رژیم تحت نام " پیروان خط امام " به تبلیغ و پیاده کردن آن در جامعه ایران پرداخته اند .

### درباره پوشش دوم :

آقایان پاسخ دهند در مورد پرسش و در نیز بجای جواب روشن و مشخص در ادامه تبلیغات خود در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی مینویسند : " رژیم استبدادی عراق و رهبر خود خواه و خود بزرگ بین و قدرت طلب آن صدام حسین که در کشور خود با مشکلات سیاسی و اجتماعی فراوان روبرو بود ، مانند اکثریت قریب به اتفاق رژیمهای دیکتاتوری تصور میکرد با حمله نظامی به ایران ( ایران که قدرت نظامی و ارتش آن تا حد زیادی مضمحل شده و ولتش با هزارویک مشکل ریزود رشت . . . دست به گریبان بود ) - برآستی آقایان پاسخ دهند متاچه اند از های برای دولت ایران آقای خمینی دل میسوزانند ؟ - و بابدست آوردن یک پیروزی نظامی آسان و سریع ، هم مشکلات داخلی خود را تحت الشعاع قرار دهد و هم موقعیت سیاسی و اقتصادی و اهمیت و اعتبار دیکلماتیک بزرگی نصیبش شود . "

حال توجه خوانندگان عزیز را به یک موضعگیری جالب دیگر در همین زمینه جلب میکنیم :

" . . . در منطقه آن حاکم جاه طلب ، تند خو و غافل که مناسب برای آتش افروزی جنگ با جمهوری اسلامی باشد صدام حاکم فعلی رژیم عراق بود که کاملاً استعداد آتش افروزی را بود ، برای اینکه میترسید این انقلاب به عراق سرایت کند . . . . که این برای رژیم و خطرناک بود و علا و مبراین جاه طلبی صدام نیز که میخواست در خاور میانه یک شخصیت معروف ، بزرگ ، مقتدر و فاتح جلوه گر باشد . "

( از گزارش تحلیلی خانه های بمناسبت هفته جنگ " روزنامه کیهان ( ۶۱/۶۲ ) )

با مقایسه دقیق و موضعگیری فوق یکی از جانب آقایان پاسخ دهند و دیگری از طرف آقای خامنه‌ای ریاست جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع (وقت) رژیم جمهوری اسلامی چه نتیجه‌ای میتوان گرفت؟ چرا موضعگیریها و حتی کلمات و گفته‌ها تا این انداز به هم شبیه است؟ آیا آقایان پاسخ دهند، منصفانه‌ها حق نمیدهند که بپرسیم: آقایان محترم این نزدیکی و وجه تشابه حیرت‌انگیز بنمایند سرسخت خط امام در رژیم جمهوری اسلامی برای چیست؟ آیا میتوان قبول کرد برخی از "آزادخواهان آگاه" که خوشبختانه پیش‌پیش مخالفین رژیم اسلامی قرار دارند، در باره یکی از مسایل عمده‌ای که حیات رژیم به آن بستگی دارد تا این انداز هم‌گلام و هم‌سخن با وی باشند؟ امروز تمام دنیا میداند: حیات رژیم جمهوری اسلامی و منافع وی و اربابان خارجی اش در ادامه جنگ نهفته است. و تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی بر مسند قدرت تکیه دارد، مردم ستمدیده و دردمند ایران میبایست هزینه‌های جانی و مالی و... بس گزافی را متحمل شوند. باید به این مسئله اساسی توجه کرد و از هرگونه بحث و تفکر انحرافی که به نفع رژیم اسلامی تمام میشود قاطعانه خودداری نمود. بحث امروز مردم ایران بر سر "دیکتاتوری و رژیم استبدادی عراق و رهبر خودخواه و خودبزرگ بیسن و قدرت طلب آن صدام حسین" نیست. مسئله عمده ملت ایران سرنگونی دیکتاتوری و رژیم استبدادی جنگ طلب جمهوری اسلامی است. نمیتوان هنگامیکه قادر نیستیم پس از ۷ سال رژیم اسلامی را سرنگون کنیم و یا حتی گامی اساسی بر علیه وی برداریم و یا بی مایگی و گزافه‌گویی، ما ایرانیان "آزادخواهان آگاه" مترقی و "انقلابی" در ایه مهربانتر از ما در گردیم و برای دیگران تعیین و تکلیف کرد و در مورد اخلی کشورهای دیگر مدخله کنیم. مردم عراق و یا هر منطقه و کشور دیگر سرنوشت خود را، خود تعیین خواهند کرد!

#### درباره پرسش سوم:

پس از آغاز جنگ در سپتامبر ۱۹۸۰ کشورها و ملت‌های صلح دوست جهان بطور اعم و کشورهای منطقه بطور اخص نگران گسترش جنگ شدند و با اضطراب فراوان در پی چاره‌جویی برآمدند، نامباد ابا زبان‌ه کشیدن شعله‌های جنگ در یک منطقه فوق‌العاده مهم و استراتژیک پای‌قدرت‌های بزرگ جهانی بمیان کشیده شود و خطر درگیریهای وسیع‌تر را افزایش داد و موجبات بروز جنگ هسته‌ای را فراهم آورد. بهمین دلیل هنوز چند ماهی از آغاز جنگ سپری نشد بود که هیئتهای صلح دوست در صد در صد میانگیری بین ایران و عراق برآمدند. یکی از اولین هیئتهای صلح مرکب از سران ۸ کشور آفریقائی و آسیائی بود. آنان در اعلامیه خود برای پایان یافتن جنگ ایران و عراق متذکر شدند "اختلافات برادرکنی بین ایران و عراق باید به یک پایان صلح عادلانه و شرافتمندانه برسد". و پیشنهاداتی را در جهت ختم جنگ ارائه دادند. از آنجمله پیشنهاد آتش‌بس بین عراق و ایران، در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۸۱ مطابق با ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ و عقب‌نشینی کامل نیروهای عراق از خاک ایران بعد از ۲۰ مارس ۱۹۸۱ مطابق با ۲۹ اسفند ۱۳۵۹، در مدت چهار هفته بود. (از متن پیشنهادات برای برقراری صلح کمیته صلح سران ۸ کشور ۵۹/۱۲/۱)

همچنین برخی از کشورهای نفت خیز منطقه ابراز نمودند که در صورت اجرای آتش بس و خاتمه جنگ حاضرند خسارات وارد به ایران را جبران کنند. دولت عراق نیز متوجه اشتباه بزرگ خود در حمله و تجاوز به خاک ایران شد و از طرق مختلف ابراز تمایل به اجرای قرارداد آتش بس و عقب نشینی به آن طرف مرز و خاتمه جنگ نمود. در چنین شرایطی براساسی عقل سلیم حکم میکرد که رژیم جمهوری اسلامی تن به صلح دهد تا بتواند هم و غم خود را معطوف به "ساختمان و سازندگی" کشور نماید و در "آبادانی" ایران و تثبیت موقعیت اقتصادی، سیاسی و بین المللی خود بکوشد. اما رهبران رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت وابسته خود چنین نکردند. آنان به کلیه تلاشهای هیئتها و شخصیتهای صلح دوست جهان واقعی ننهادند و سرسختانه ابراز داشتند جنگ را تا پیروزی انقلاب اسلامی "در عراق و سرنگونی صدام" ادامه خواهند داد. بیهود نبود که روزنامه کیهان با توجه به سخنان رفسنجانی در اینباره نوشت:

"حجت الاسلام رفسنجانی با اشاره به رفت و آمد های هیئتهائی که ظاهراً به نیت پایان یافتن جنگ به ایران سفر میکنند، گفت: این بارها آمد هاند و رفته اند و هرگز مطلب تازه ای نداشته اند و فقط می آیند که بعداً بگویند ایران قبول نکرد." (روزنامه کیهان ۳/۸/۶۱)

بدین ترتیب رهبران رژیم اسلامی نه تنها کلیه پیشنهادات صلح را رد کردند، بلکه به درخواستهای مکرر شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ترتیب اثر ندادند. شورای امنیت از ایران و عراق خواسته بود تا بمرزهای خود عقب نشینی کنند و جنگ را متوقف سازند. کلیه اعضای شورای امنیت که شامل ۵ کشور میشدند بدون استثنا، رای به آتش بس و خاتمه جنگ دادند. ولی رجائی خراسانی نمایند های ایران در سازمان ملل جلسه شورای امنیت را تحریم نمود و قطعنامه شورای امنیت را محکوم کرد. (این قطعنامه در تاریخ ۶/۱۰/۸۲ صادر گردید.)

واقعاً سرسختی و یکدنگی نمایند ه رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ بعنوان کشوری وابسته بسیار قابل توجه میباشد. رهبران رژیم جمهوری اسلامی بارها و بارها و بطور علنی از مقاصد جنگ طلبانه خود پرده برداشته بودند. ولی حماقت تا این حد در جهان سابقه نداشت. اما اینکه چگونه کشوری توسعه نیافته و غیر صنعتی میتواند "بدون وابستگی" به شرق و غرب، بیکه و تنها دست رد بر سینه ۵ کشور عضو شورای امنیت بزند معمای پیچیده ایست که رهبران رژیم آنرا دلیل بر مستقل بودن خود دانستند. بیهود نبود که خامنه ای در ادامه خط مشی های سیاسی، نظامی رژیم در باره "صدور انقلاب اسلامی" در دیدار با "اعضای مجلس اعلای اسلامی عراق" میگوید: "اگر انقلاب اسلامی ایران کلیدی بود برای شروع انقلابهای جهانی، بیشک انقلاب اسلامی عراق کلید و محاسب می آید. . . پیروزی انقلاب اسلامی در عراق برای ما بعنوان مسئولین جمهوری اسلامی ایران بسیار حیاتی است. ما بعنوان دبستان و علاقمندان به انقلاب اسلامی، پیروزی انقلاب اسلامی عراق را حیاتی تر میدانیم و خواهان پیروزی هر چه سریعتر انقلاب اسلامی عراق هستیم." (روزنامه کیهان ۲/۹/۶۳)

اینست گوشه های کوچکی از واقعیات روابط و برنامه ها و اهداف جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی.

حال این سوال برای ما و بسیاری از ایرانیان مطرح است: که چرا آقایان نویسندگان پاسخ دهند که کوچکترین زحمتی را بر خود هموار نمی‌سازند، تا به بررسی همه جانبه اهداف و برنامه‌های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی بپردازند؟ آنان در پاسخ به پرسش سوختنها به این امر اکتفا نمودند و گفتند که پایان جنگ بسود عراق است! ولی گویا آقایان زیاد بخود اطمینان ندارند و مثل اینکه گنا بزرگی را مرتکب شده‌اند. زیرا فوراً برای مخدوش نمودن یک جمله درستی که مجبور شد‌اند ابراز دارند - بدون ارتباط به سوال - اضافه میکنند: اما این امر چیزی را در زمینه آغاز جنگ و تجاوز عراق به ایران کم نمی‌کند. آیا این روش علمی حل مسایل و مشکلات است؟ بایک جواب کلی نمیتوان مسایل پیچیده و غامض را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. باید کمی به ریشه‌ها نگریست. باید به آن عوامل اساسی که سبب موضعگیری‌های عراق در برابر پایان جنگ و ادامه آن از طرف رژیم جمهوری اسلامی شده است توجه کرد. عواملی که متأسفانه آقایان پاسخ دهند، آگاهانه و یا ناآگاهانه نمی‌خواهند بدانها بپردازند.

### درباره پرسش چهارم:

آقایان پاسخ دهند در مورد پرسش چهارم به یکباره خیال خود را بایک جواب کلی راحت کرده‌اند و مسئولیت و توضیحات کافی در بررسی واقعیت‌های ایران ابراز داشته‌اند:

" رژیم اسلامی (تنها) برد و محور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه میدهد " و " رژیم اسلامی . . . هیچیک از ارکان اجتماعی، اقتصادی، اداری، نظامی و فرهنگی خود را به عنوان یک دولت و یک سیستم سیاسی تحکیم و تثبیت ننموده است. "

آیا این جواب در اهیانه انسان را متحیر نمی‌کند؟ براساسی اگر رژیم جمهوری اسلامی تنها برد و محور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه دهد پس چگونه توانسته است در یک جنگ طولانی، خانمانسوز و پیرخروج نوام آورد؟ اگر رژیم اسلامی از پشتوانه اقتصادی کافی برخوردار نبود، آیا میتواند سیاستهای جنگ طلبانه خود را به اجرا درآورد؟ همچنین رژیم جمهوری اسلامی توانسته است در پی کشته شدن بسیاری از رهبران و ریمب گذاریم بدون ایجاد تغییرات اساسی در سیستم سازماندهی و تشکیلاتی به مسیر تعیین شده خود ادامه دهد؟ آیا بر حسب تصادف بوده است که رژیم جمهوری اسلامی " مستقل و بیکه و تنها " بر علیه آمریکا، انگلیس، فرانسه، عراق، عربستان سعودی و . . . بمقابله بر خیزد آنهمه برد و محور فساد و سرکوب؟ و بیروز هم‌گرد؟ تشکیل سپاه پاسداران و رشد آن به مثابه یک ارتش نیرومند چند صد هزار نفری افسانه است؟

بنظر ما تئوریسینهای مجرب و کارگشته و مخفی رژیم اسلامی پس از اجرای سناریوی موفقیت آمیز اشغال سفارت آمریکا (به شهادت واقعیات ایران در هنگامیکه رژیم در معرض خطرات فراوان داخلی و خارجی قرار گرفته بود و دیگر نمیتوانست تحت لوای مبارزه با " دشمن اصلی " مردم را به مقابل سفارت آمریکا بکشاند، مردم آرام آرامی به ما هیتش میبردند) مدتها پیش از آغاز جنگ، جنگ ایران و عراق را طرح ریزی کرده

بودند . آنان میدانستند باید توجه مرد مرا از د رون کشور به بیرون وسمت خارج از مرزها معطوف نمایند .  
 " جنگ مسئله اصلی است . " بدین ترتیب تفوریسینهای رژیم اسلامی با زیرکی فراوان به اجرای این طرح مشغول  
 شدند . آنان جنگ را " موهبت الهی " دانستند و بدین وسیله توانستند ، اکثر مخالفتها و مبارزات مرد مرا  
 سرکوب نمایند و به تثبیت ارکان متزلزل خویش بپردازند . برای روشن شدن مطلب توجه آقایان پاسخ دهنده  
 را به یکی از سخنرانیهای خانهای جلب میکنیم :

" عیب اساسی ما در اوایل جنگ این بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن موقع بطور صحیح جا  
 نیفتاده بود . . . . ( اما ) بنظر من یکی از علل پیروزیهای ما در یکسال اخیر این بود که فرماندهان ارتش نیروی  
 عظیم سپاه را شناختند . . . . سپاه امروز سپاه ۵۰ سال پیش قابل مقایسه نیست . امروز سپاه قدرت کارآمد  
 و بسیار شایسته و ورزی است . . . . " ( روزنامه کیهان ۶۱/۶/۲۱ )

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی بخوبی توانست با عمد نمودن جنگ بعنوان " مسئله اصلی " به  
 تقویت و رشد هر چه بیشتر سپاه پاسداران و بسیج پردازخته و همچنین ارتش را تحت کنترل در آورد . رژیم با  
 استفاده از مسئله جنگ کلبهها و سازمانهای مختلف را در کشور بسیج نمود و آنها را بکار گرفت و از اینراه  
 به تحکیم موقعیت سیاسی ، نظامی ، ایدئولوژیک ، دیپلماتیک و . . . خود پرداخت .

#### درباره پرسش پنجم :

قبل از بررسی جوابهای آقایان پاسخ دهنده و جواب صحیح به پرسش فوق ، باید ابتدا مشخص کرد که  
 جنگ میهنی یعنی چه ؟ چه زمانی يك جنگ را میتوان میهنی خواند ؟ آیا میتوان بدین توجه به اوضاع و  
 شرایط مشخص تاریخی ، سیاسی ، داخلی و بین المللی يك جنگ را میهنی قلمداد نمود ؟ اگر قریب به  
 اتفاق " رهبران " و روشنفکران مانتهن نتوانستند يك بررسی جامع و صریح از جنگ میهنی ارائه دهند ،  
 بلکه با گنجی و گمراهی - با وجود تمام ادعاهای خود - فریب رهبران و تفوریسینهای رژیم اسلامی را در باره  
 " جنگ میهنی " خورد هاند . این قبیل آقایان صاحب نظریا وجود قلم فرسائیهای زیاد برآستی عاجزند تا  
 با صراحت و روشنی با آوردن دلایل معین تاریخی مرد مرا آگاسازند . در این میان کسانی نیز هستند که با  
 مهارت و مقاصد خاصی بعنوان ایدئولوگهای زید رژیم اسلامی خطوط اساسی سیاستهای داخلی و خارجی  
 را تعیین نمود و پیش از هر نیروئی کوشش بخرج داد هاند تا تفوری " جنگ میهنی " خود را در جامعه ایران  
 پیاده کنند و برآستی در این مورد به موفقیتهای بسیاری هم دست یافته اند . اما جنگ میهنی در کشوری  
 عقب ماند و آسیائی و وابسته مانند ایران معنا و مفهوم خاصی دارد . بخصوص که رژیم حاکم بر ایران يك رژیم  
 ضد مردمی ، ضد مکرانیک و ضد ایرانی است و بدین سبب در کشمکشهای بین المللی بین قدرتهای بزرگ  
 چه خواهد و یا چه نخواهد باید متکی به یکی از آنان گردد تا از موجودیت سیاسی - اقتصادی ، نظامی ،  
 دیپلماتیک و . . . حمایت و پاسداری شود . البته این امر در شرایط کنونی با پیچیدگیهای خاص و ظرفیتی

انجام میپذیرد. حال با توجه به مطالب گفته شده، اگر بپذیریم رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم وابسته و غیر مستقل است، آن هنگام میتوانیم به این نتیجه برسیم که: جنگ میهنی رژیم تحت لوای دفاع از تمامیت ارضی ایران و یا حفظ منافع ملی جد از سیاستهای اعمال شده از طرف اربابان اصلی خارجی وی نمیتواند مطرح باشد. بدین ترتیب حمایت از تمامیت ارضی ایران و دفاع از میهن در هنگامیکه رژیم وابسته به خارجی مانسد رژیم جمهوری اسلامی بر آن حاکم است تنها میتواند در خدمت منافع ضد ایرانی و ضد مردمی سلطه گرانه و استعماری بشمار رود. به این دلیل باید اکنون به ایران بصورت یک قلعه اشغال شده ای که از درون تحت یوغ و کنترل عوامل و سرسپردگان (سرمداران رژیم جمهوری اسلامی) دشمنان خارجی قرار دارد، نگرست. در چنین شرایطی میهن پرستان واقعی و آزاد یخواهان راستین باید ایران را تبدیل به جهنم سوزانی کنند تا رژیم اسلامی، این دشمن خون آشام را در خود فروسوزاند.

البته با توجه به تجربیات تاریخی در رابطه با جنگهای میهنی و بخصوص در جنگ بین المللی اول و دوم، میتوانیم در سببهای پس از زندگی میا موزیم. بویژه پیدایش فاشیسم هیتلری و روی کار آمدن آلمان نازی و مقایسه آن با رژیم خمینی میتوانیم کمک فراوانی به ما نماید تا بتوانیم با هوشیاری و روشن بینی دیدن تعصبات کورکورانه شوونیستی مسئله میهن و جنگ میهنی را در رژیم جمهوری اسلامی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. بنظر ما رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم آلمان هیتلری بنا بر ماهیت خود ذاتاً جنگ طلب و تجاوزکار است. با این تفاوت که رژیم نازی مستقل بخود بود، در حالیکه رژیم خمینی وابسته به قدرت های بزرگ بیگانه است و در طی هفت سال گذشته، با گذشت زمان هر روز وابستگی گاه پنهان و گاه آشکار خود را با برخی از آنان مستحکمتر و گسترده تر نموده است. "دفاع از خاک میهن" در رژیم خمینی همان اندازهی معنی و مزخرف است که رژیم آلمان نازی در تبلیغات خود به دفاع از خاک میهن و سرزمین آلمان میپرداخت. بنابراین نباید با ساد و لهو حی کودکان در بستنای فریب تبلیغات مبلغین رژیم اسلامی را خورد. یا تحت تاثیر سخنان آتشین و "میهن پرستانه" برخی از آقایانی که متأسفانه آگاهانه و یا ناآگاهانه نمیخواهند واقعیت های رژیم مذهی - فاشیستی خمینی را ببینند و سنگ جنگ میهنی رژیم اسلامی را به سینه میزنند، قرار گرفت.

البته متأسفانه رهبران رژیم با مهارت و زیرکی فراوانی توانستند در اوایل جنگ بسیاری از مردم را فریب دهند و مردم ناآگاهانه و از همه جایی خبری که مسلماً وطن خود را دست داشته و همواره از توطئه و تجاوز دشمنان پر قدرت خارجی بیمناک بودند را ناگهان غافلگیر کنند و حمایت از "جنگ میهنی" فراخوانند. ولی همین مردم ناآگاهی که در شرایط خفقان زابسز میبیرند، اکنون بی برد هاند که: در پس جنگ میهنی رژیم چه امری نهفته است. و چه کسانی از ادامه ورشد آن بهره ور میگردند و چرا؟ بهمین دلیل رژیم برخلاف کلیه تلاشهای خود با مسئله بزرگی روبرو گردید و آن هم مخالفت روز افزون مردم با "جنگ میهنی" میباشد. اما نقش بخشی از اپوزیسیون سلطنت طلب و آتشه و "جمهوریخواهان ملی" در باره جنگ میهنی بسیار رقت آور است. متأسفانه آقایان رهبران اپوزیسیون بجز تعداد معدودی که جسارت و شهامت داشته اند، اگر با بعثت کوتاه بینی و عقب ماندگی سیاسی دانسته و بیاندانسته بعنوان مبلغینی در آمد هاند که بهترین

پیروان جنگ طلب خط امام درباره "جنگ میهنی" و دفاع از تمامیت ارضی ایران پیراهن میدهند و گلوپاره میکنند. حیرت انگیز است که چگونه برخی از سلطنت طلبان بدون اندیشه و فکر با تعصبات خشک و کورکورانه "ملی" پس از سپری شدن ۵ سال هنوز به هم آوازی درباره "جنگ میهنی" با رژیم اسلامی ادامه میدهند؟ ما میدانیم بسیاری از این آقایان همانگونه که ایران را دوستی تقدیر رژیم جمهوری اسلامی نمودند البته نمیتوانند درباره مسایل پیچیده‌ای مانند جنگ ایران و عراق با واقع بینی و هوشیاری برخورد کنند.

حال در این میان آقایان پاسخ دهند، پس از ۵ سال جنگ و این همه بدبختی و فلاکت، آوارگی و بیخانمانی مینویسند:

"آیا مردم ایران... میتوانستند تجاوز نظامی عراق را به میهن خویش ببینند و خاموش بنشینند و بگذارند دشمن خارجی ایران را تسخیر کند و دولت دست نشاند خود را بر سر کار آورد و یا بخشی از کشور ما (مثلاً خوزستان) را ضمیمه سرزمین عراق کند؟"

خیر آقایان محترم پاسخ دهند، میهن تحت حکومت فاشیستی - مذهبی خمینی میهن نیست، کشور نیست. رژیم خمینی بدترین نوع حکومتی است که مردم ایران در طول تاریخ طولانی خود با آن روبرو بوده‌اند. ملت بجان آمدن ایران، برخلاف شما چهار توهم درباره چنین رژیم و جنگ میهنی اش نیست. و هر ضربه و هر تغییری بر علیه این رژیم بعنوان دشمن اصلی مردم ایران را با کمال میل میپذیرد. آیا شما فریاد مردمی که در زیر بمبارانهای هواپیماهای عراقی در حالیکه عزیزان مجروح و از دست رفته خود را رآعوش گرفته و فریاد مرگ بر خمینی را سرمیدادند، شنیده‌اید؟ آیا ضجه آن مادرانی که جگر گوشه‌های خود را به سینه میفشردند و میدانستند این رژیم جنایتکار اسلامی میباشد که برایشان تحت لوای "جنگ میهنی" و صد و انقلاب اسلامی این همه فلاکت و بدبختی به ارمغان آورد است را شنیده‌اید؟ پس این همه سخنان عوام فریبانه و شعارگونه در حمایت از "جنگ تمام عیار میهنی" برای چیست؟ از طرف دیگر، بنظر شما مواضع کنونی عوامل نفوذی حزب توده در رده‌های اپوزیسیون درباره "جنگ میهنی" چیست؟ آیا عوامل حزب توده پس از آن همه خرابکاری و خیانت به ملت و کشور و حمایت و شرکت در "جنگ میهنی" اکنون در رده‌های اپوزیسیون به تبلیغ تزه‌ها و نظریات خود در دفاع از "جنگ میهنی" اما از طرق دیگر نمیپردازند؟ بخصوص در هنگامیکه دیگر بدلیل پیچیده بین المللی قادر نیستند بطور علنی در نشریات گوناگون خود از "جنگ میهنی" دفاع و جانبداری کنند.

برای یادآوری، توجه آقایان پاسخ دهند درباره برخی از مواضع حزب توده درباره جنگ جلب میکنیم:

"با آغاز جنگ تحمیلی عراق با ایران، جوانان رزمند... جوانان رزمند سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب، ارتش جمهوری اسلامی، بسیجی‌ها و هزاران جوان دلاور و انقلابی از سراسر کشور، دلاطلبان معازم جبهه‌های نبرد... شدند، تاکنون این گردان‌ها نیروی لاورد در دفاع از میهن انقلابی حماسه‌های مقاومت و ایستادگی آفریدند." ( "جوانان همراه انقلاب" و پاسداران انقلاب، زهره قاضینی، انتشارات حزب توده ایران بهمن ۶۰ )

یاد رجائی دیگر مینویسند:

"سربازان، در جبهه اران و افسران ارتش ما، پاسداران و بسیجیهای دلاور و ایثارگر ما با فداکاریها و جانبازیهای بی دریغ تاریخ نوین ایران... رامی سازند... درود بر رزمندگان جبهه ها که این وظیفه تاریخی را انجام میدهند." ( جنگ تحمیلی محکوم به شکست است. هـ - حاتمی، انتشارات حزب توده ایران بهمن ۶۰ )

اما آقایان پاسخ دهند همینویسند :

"واقعیت این است که هم پاسداران و هواداران خواهان رژیم اسلامی و هم جوانان و سربازانی که به جمهوری اسلامی عقیدهای ندارند، اما سرزمین آباء و اجدادی خود را دوست دارند و تصمیم گرفتند در بار مسرنوشت میهن خود و نظام سیاسی آن راحق خود میدانند، بدفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور خود پرداختند و دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند، بنابراین جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمام عیار میهنی بود." ( تاکید ها از نگارنده )

آیا خوانند عزیز پس از این همه فلاکت و بدبختی ها در مقایسه نظرات آقایان پاسخ دهند و رهبران حزب توده چه نتیجه ای میتواند بگیرد ؟ آیا آقایان پاسخ دهند با صراحت، مانند رهبران حزب توده نمیگویند : پاسداران جنایتکار و مزدور جمهوری اسلامی خمینی بعنوان پیش قراولان و نمایندگان ملت ایران به دفاع از خانه، کاشانه، استقلال و تمامیت ارضی ایران پرداخته اند ؟ همان پاسدارانی که در کردستان در سرکوه مرد مقهرمان کرد جنایتها آفرید هاند . همان پاسدارانی که دستشان به خون دهها هزار تن از فرزندان آزاد یخواه و مبارزان ایران آغشته است، اینجا به پاسداران حامی خانه و کاشانه مرد متبدیل میشوند ! آیا قلمداد کردن پاسداران مزدور و خویشان بعنوان میهن پرستان و حامیان استقلال میهن آنها تحت نام "آزاد یخواهان آگاه" و "جمهوریخواه" عجیب نیست ؟ آیا آقایان میپندارند که مرد باید سخنانشان را مانند نقل و نبات بپذیرند و فریب حرفهایشان را بخورند ؟ خیر آقایان پاسخ دهند مرد بدبخت ایران بهاندازه کافی فریب خورد هاند ! چرا دست از سر این ملت بیچاره بر نمیدارید ؟ چرا با سرسختی به ملتی که شکست خورد ه، زخمی و در حال نابودی است رحمی نمیکنید ؟ بیائید دست از این همه دروغ و فریب بردارید و پیش از این از رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای دفاع از خانه، کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی دفاع نکنید و سنگ جنگ تمام عیار میهنی را به سینه نکوبید !

از نظر ما " جنگ میهنی " در شرایطی بوقوع میپیوندد که حاکمیت در دست يك دولت در مکرراتیک، ملی و مردمی باشد و کشور مورد تجاوز بیگانگان قرار گیرد . در این صورت وظیفه مرد موأحاد ملت آنست که با خیزند و از هر وجه خاک وطن دفاع کنند . کافی است نظری به تاریخ ۵۰ ساله گذشته جهان بیفکنیم تا نمونه های بسیاری از این نوع جنگ میهنی را مشاهده کنیم . اما در شرایط کنونی جنگ میهنی یعنی جنگ با رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی، جنگ برای ایجاد مکراسی و آزادی در ایران . مرد مکرستان هم اکنون قهرمانان را انجام این وظیفه خطیر میکوشند . آنان آزاد یخواهان راستینی هستند که در جبهه های جنگ کردستان به نبرد با پاسداران مزدور و سربازان رژیم جمهوری اسلامی مشغولند . باید در رس آزادی

و آزاد یخواهی را از آنان آموخت نه اینکه تحت لوای نام آزاد یخواهان از پاسداران و سربازان رژیم اسلامی بدفاع پرداخت.

### درباره پرسش ششم:

بسیار خوب! اگر آقایان پاسخ دهند به جوابی که خود را دارند اعتقاد دارند و آنگونه که میگویند: ارتش و سپاه پاسداران نمیتوانند جدا از سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی عمل کنند، پس چرا پیروزی سپاه پاسداران و ارتش تحت فرماندهی رژیم اسلامی را به حساب ملت ایران میگذارند؟ توگوئی که ملت ایران دارای يك دولت و مكراتيك و مردمی است و این جنگ نیز در خدمت آرمانهای د مكراتيك مردم قرار میگیرد. شما بخوبی میدانید که جنگ ادامه سیاست اما بطریق مسلحانه است و جنگ ایران و عراق مستقیماً در خدمت سیاستهای د ر نظر گرفته شد هر رژیم جمهوری اسلامی است. شما که این مطلب را میدانید چرا از جنگ تمام عیار میهنی رژیم حمایت میکنید؟

### درباره پرسش هفتم:

متأسفانه آقایان پاسخ دهند در جواب به پرسش هفتم نیز متوسل به لغت پراکنی شد و جواب ما را بروشنی ندارند. آنان نوشته اند: "دراوضاع و احوال کنونی، خمینی و رژیم ولایت فقیه در راس دشمنان داخلی و صد ام حسین و دولت عراق دشمن خارجی شماره یک مردم ایران هستند." اما آقایان محترم بهر حال روشن نکردند که از میان د رژیم جمهوری اسلامی و عراق کدامیک دشمن اصلی ملت ایران است؟ البته آقایان با کمال بی انصافی و ناجوانمردانه ما و کلیه نیروهای که صادر قانه بعلل روشن و بنا بر واقعیتهای ایران معتقدند رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است، تهمت زده اند که عوامل دولت عراق میباشیم. بنا بر این مشخص است که آقایان محترم دشمن اصلی مردم ایران را رژیم خمینی نمیدانند و بزعم ایشان دشمن اصلی مردم ایران دولت عراق است زیرا بهر حال یکی از ایند رژیم میبایست بعنوان دشمن اصلی مطرح گردد. اگر آقایان پاسخ دهند صادر قانه به این مسئله اعتقاد دارند چرا آنرا روشن بیان نمیکنند تا بتوانیم رستی و یانادرستی آنرا مورد ارزیابی قرار دهیم؟

اما آقایان پاسخ دهند در این میان به یک اقدام خارق العاده دیگری مبادرت می ورزند. آنان برای اینکه بتوانند خود را از تناقض گوئی برهانند، در پی پاسخ به پرسشهای د هگانه مطرح شده، به درج دومین اعلامیه خود درباره جنگ ایران و عراق مبادرت ورزیدند. در اعلامیه د آمده است:

"ملت ایران به تحقیق خواستار طرد و سقوط دشمن اصلی داخلی (جمهوری اسلامی) و پیروزی بردشمن

اصلی خارجی ( رژیم عراق ) . . . میباشد ."

اکنون مسئله د باره بصورت روبروشدن باد دشمن اصلی ، د ریک زمان و د رد وجبهه مطرح میگردد .  
 آیا این امر قابل قبول است ؟ آیا میتوان باد دشمن اصلی و د ریک زمان و د رد وجبهه به مبارزه پرداخت ؟ برای  
 مثال تکلیف عملی مرد مایران د این میان چیست ؟ د " دشمن اصلی " یکی عراقی و دیگری رژیم خمینی رودر  
 آنان قرار دارند و رعین حال این د دشمن ، بایکدیگر د جنگ مرگ و زندگی د رگیرشد هاند ، چه باید کرد ؟  
 سربازی که د ر جبهه جنگ تفنگ د ر دست د ارد از طرفی روبرو با جناایتکاران رژیم اسلامی است و از طرف دیگر  
 د مقابلش سربازان عراقی قرار دارند . بسوی کد امیک میبایست نشانه گیری و آتش کند ؟ آیا آقایان پاسخی  
 د هند میتوانند این مشکل را حل کنند و جواب مشخص عملی و منطقی را ارائه د هند ؟  
 اما بنظر ما و بنا بر اصول غیر قابل انکار علمی و جامعه شناسی و همچنین قانون مند یهای د رونی پدید هها و  
 جنگها غیر ممکن است که بتوان د ریک آن و د رد وجبهه معین د ارای د دشمن اصلی بود و سهر حال یکی میبایست  
 د رصد رفتار گیرد و بعنوان دشمن اصلی و عمد د دیگری را تحت الشعاع قرار د هد . هیچ راه گریزی وجود نند ارد .  
 شناخت د باره مسئله تضاد عمد د رجوامع و جنگها یکی از مهمترین وظایف آن نیروهای پیشرفته ایست که  
 میخواهند مرد م را به سر منزل پیروزی رهنمون گردند . باید با کمال اطمینان بیان کرد که بدون اتکا به سلاح  
 شناخت علمی د باره مسئله تضاد عمد د دشمن اصلی امکان پذیر نیست تا بتوان کوچکنترین گامی د ر مبارزات  
 د مکرانیک کنونی ایران بجلو برداشت . تعیین دشمن اصلی مرد مایران - ونه د دشمن ویا چند دشمن اصلی -  
 ضروری ترین و مهمترین مسئله د مبارزات آزاد یخواهان کنونی است .

ما فکر میکنیم که علی رغم ضد و نقیض گویی های آقایان پاسخ د هند هانان د دشمن اصلی مرد مایران را د ولت  
 عراق معرفی میکنند . ولی چون این امر - آگاهانه و یا نا آگاهانه - آنان را فوراً د ر جبهه رژیم اسلامی قرار مید  
 آنان متکی به تئوری من د ر آوردی " د دشمن اصلی " شد هاند . البته ما د رون ایران با این نوع تئوریهای  
 غیر علمی روبرو بود ه ایم . آقای خمینی نیز از د دشمن اصلی آمریکا و شوروی سخن میگفت و همچنین برخی از  
 سازمانهای " چپ " که بعد ها - بدلیل شناخت نادرست - از همپاشید هشدند از " د دشمن اصلی "   
 سخن میگفتند . اکنون بیهودگی و شکست این گفتارها عیان شد هاست . بنا بر این بجاست آقایان پاسخی  
 د هند ه اگر واقعاً میخواهند از انحرافات خود دست بکشند ، خطاهای خود را د باره دشمن اصلی مرد م  
 ایران مورد انتقاد قرار د هند و به رفع اشتباهات خود بکوشند . ( برای توضیح بیشتر و کمک به روشن شدن  
 مسئله ما توجه آقایان پاسخ د هند ه را به مقاله " دشمن اصلی مرد مایران کیست ؟ " آزادی ایران شماره ۲ و  
 همچنین مقاله د باره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مرد مایران " آزادی ایران ۹ و ۱۰ و ۱۱ ( جلب میکنیم )

درباره پرسش هشتم ونهم :

بنظر ما رژیم جمهوری اسلامی عامل اصلی بدبختی ها ، ستمها ، سرکوبها و مرارت های بیشمار کنونی ملت

ایران است. به همین علت رابطه بین رژیم جمهوری اسلامی و مردم ایران رابطه‌ای است خصمانه و آشتی ناپذیر. و این امر در شرایط کنونی تضاد عمده جامعه ایران را تشکیل می‌دهد. یعنی اگر ما بخواهیم رباره جنگ ایران و عراق موضع‌گیری کنیم، باید به این تضاد عمده جامعه توجه کامل مبذول نماییم. اگر به مسئله اختلافات بین جناح‌های درونی رژیم می‌پردازیم، باید یاد رنظر گرفتن این امر اساسی آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم. و یا اگر رباره سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم می‌خواهیم اظهار نظر و موضع‌گیری کنیم باید این تضاد عمده را مد نظر آوریم. بنظر ما کلیه روابط ایرانیان در داخل و خارج از کشور و همچنین روابط بین نیروهای مختلف اپوزیسیون، سازمانها و گروه‌های مختلف و مسایل بین‌المللی نیز باید از این دیدگاه مورد رنظر گرفتن این تضاد عمده جامعه ایران مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. هرگونه انحراف از این امر بر ضرر مبارزات آزاد یخواهان و مکراتیک مردم ایران محسوب میگردد. بنابراین تمام هم و غم کلیه آزاد یخواهان راستین و میهن پرستان و نیروهای مترقی و مکراتیک میبایست صرف حل این تضاد عمده جامعه ایران یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گردد. این رابطه آشتی ناپذیر و کاملاً خصمانه بین مردم و رژیم جمهوری اسلامی مسئله پرداخت خسارات و غرامات جنگی را نیز در بر میگیرد.

البته توجه به این تضاد و رابطه آشتی ناپذیر بین ملت و رژیم اسلامی ممکن است برای آقایان میانجی‌گر جنگ و سفیران سازمان ملل متحد مطرح نباشد. زیرا آنان میخواهند با بیطرفی بین دو کشور متخاصم، جنگ خاتمه یابد و صلح برقرار گردد. اما کسانی که خود را ایرانی میدانند و در رون اپوزیسیون بی رویه پیکر ایران ادعای مبارزه بی امان را با "دشمن اصلی داخلی" دارند، نه تنها نمیتوانند مانند سفیران و میانجیگران بیطرف رفتار کنند، بلکه جائز نیست با تقاضای پرداخت غرامت و خسارت - آنها در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما حاکمیت دارد با ادعای بی پایه "دفاع از منافع و مصالح ملت ایران" موجب تقویت اقتصادی، سیاسی و دیپلوماتیک رژیم جمهوری اسلامی گردند. باید این حقیقت را پذیرفت که تقاضای پرداخت غرامت بوسیله رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی امری است که بخود او مربوط است. زیرا این رژیم اسلامی است که در حاکمیت قرار دارد. و مسلماً به منافع خود در جنگ ایران و عراق توجه کافی مبذول داشته و بخوبی میدانند چگونه بوسیله سخنگویان و نمایندگان و سفیران فراوان خود از منافع (نه منافع مردم ایران زیرا با منافع رژیم صد درصد در تضاد است و یک دولت مردمی در حاکمیت قرار ندارد) بهمترین وجهی دفاع کند. اما تقاضای پرداخت خسارات و غرامات - در هنگامیکه رژیم اسلامی در قدرت است - از جانب آقایان پاسخ دهند نه تنها جائز نیست بلکه به محض تقاضای خسارات و غرامات آقایان - چه بخواهند و یا چه نخواهند - خود را در جبهه رژیم اسلامی خمینی قرار میدهند. آن‌هم در رون اپوزیسیون ایران و تحت لوای "آزاد یخواهان آگاه"! طبق گفته آقایان پاسخ دهند: "میزان خسارات اقتصادی از آغاز جنگ تا پایان ۱۳۶۳ بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار است." بسیار خوب فرض کنیم ما این آمار را می‌پذیریم. اما اجازه دهید برای روشن شدن مطلب سوالی طرح کنیم: اگر دولت عراق همین فرد قبول کند که ۴۰۰ میلیارد دلار را بعنوان پرداخت خسارات و غرامات به رژیم جمهوری اسلامی بپردازد، در شرایطی که رژیم

اسلامی با بحران شدید ارزی و اقتصاد ی روبروست، آیا ۴۰۰ میلیارد دلار در بهترین موقعیت ممکنه کمک به تقویت و استحکام اقتصاد ی، دیپلماتیک و سیاسی و... رژیم خواهد کرد؟

شمار پاسخ به این سوال جواب مید هید: (این امر) به هیچ وجه به تحکیم جمهوری اسلامی منتهی نمیشود، زیرا رژیم ولایت فقیه از اساس قابل تبدیل شد به یک سیستم سیاسی مقید به قانون نیست.

آخر آقایان محترم این کلام شما تا چه اند از غیر منطقی و ساد ه لوحانه است. شما میتوانید این مطلب را - پرداخت ۴۰۰ میلیارد دلار به رژیم جمهوری اسلامی موجب تحکیم رژیم نمیشود - با هر کسی که تعقل و تفکر و دود و تا چهار تنای روابط اقتصادی - سیاسی را بداند مطرح کنید، ببینید به شما چه خواهند گفت؟ ما این منطق شما را با بسیاری از دستان ایرانی و خارجی مطرح کردیم، برخی از آنان که شما را نمیشناسند، تعجب کردند که درون اپوزیسیون هستند افرادی که این چنین از منافع رژیم جمهوری اسلامی دفاع میکنند!

شما میگوئید: چون این رژیم مقید به قانون نیست ۴۰۰ میلیارد دلار به او کمک نمیکند؟ این گفته شما بسیار غیر واقع بینانه و کود کانه است. زیرا کلیه رژیمهای سرکوبگر و غیر قانونی که بوسیله قدرتهای بزرگ سلطه گر وجود آمد هاند، اتفاقاً بوسیله "وامها" و "کمکهای" خارجی است که میتوانند به حیات خود ادامه دهند. بنابراین میتوان تصور کرد که یک رژیم "غیر قانونی" مانند رژیم جمهوری اسلامی چگونه میتواند از ۴۰۰ میلیارد دلار غرامت استفاده کند!

در عین حال شما مطمئناً میدانید: اگر رژیم اسلامی نمیتوانست با فروش نفت ارزش خارجی بدست آورد، در اندک مدتی از پای در می آمد. حال میتوان بایک حساب سرانگشتی و در نظر گرفتن درآمد سالانه رژیم از فروش نفت (۱۶-۱ میلیارد دلار) ارزیابی کرد که ۴۰۰ میلیارد دلار چگونه و تا چه مدتی میتواند حیات اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را تضمین کند. البته همه میدانند در صورت دریافت این ۴۰۰ میلیارد دلار رژیم مطمئناً آنرا در جهت بازسازی مناطق صنعتی، شهرها و مناطق مسکونی بکار خواهد برد. رژیم آنرا برای گسترش و تقویت سپاه پاسداران، ارتش و برای سرکوب و کشتار مردم ایران در اقصی نقاط کشور و بخصوص در کردستان و توسعه ماشین جنگی برای تجا و زود خالت هر چه بیشتر در منطقه بکار خواهد بست.

آیا جز این از رژیم جنگ طلب و ضد مردمی جمهوری اسلامی میتوان انتظار دیگری داشت؟ آقایان پاسخ دهند در جواب به پرسش هشتم از ما سوال میکنند "آیا هیچ ایرانی با انصاف و واقع بینی که یک ذره به سرنوشت ایران و ملت ایران علاقه و لبستگی داشته باشد، میتواند از تقاضای پرداخت خسارات وارد به منظره باز ساختن تاسیسات صنعتی و... صرف نظر کند؟ آیا ایران ملک طلق خمینی ورفسنجانی و... است که آزاد یخواهان ایران از ترس اینکه غرامت به آنان پرداخت گردد و "ملاخورشود"، از تقاضای پرداخت غرامت از دولت متجاوز چشم پوشند؟"

خیر آقایان، ما برخلاف شما هیچگونه توهمی نسبت به رژیم خمینی نداریم. ما اتفاقاً چون انصاف و واقع بینی و عشق به آزادی و سرنوشت ایران و ملت در بندش داریم، هرگز حاضر نیستیم تحت هیچ شرایطی به حمایت و طرفداری - مانند پرداخت غرامت به رژیم جنایتکار خمینی - از رژیم جمهوری اسلامی بپردازیم.

ما اتفاقاً چون ایران را "ملك طلق" خمینی، رفسنجانی و... نمیدانیم، میگوئیم: باید اول آنها را سرنگون کرد و سپس خواهان پرداخت غرامت گردید. ما در ایران بایک رژیم هیتلری روبرو هستیم، باید او را اول از بین برد! چرا شما نمیتوانید این مسئله را درک کنید؟ دفاع از منافع و مصالح ملت ایران در شرایط کنونی یعنی مبارزه برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی! چرا شما میخواهید در این راه انحراف بوجود آورید؟ آنها تحت لوای تقاضای پرداخت خسارت برای آبادانی و بازسازی ایران؟ آیا واقعا شما فکر میکنید که رژیم با دریافت غرامت ۴۰۰ میلیارد دلار به بازسازی و آبادانی ایران خواهد پرداخت؟ ما آرزو مندیم شما آقایان پاسخ دهند به این پرسشهای حساس جواب دهید!

### درباره پرسش دهم:

آخرین پرسش ما از آقایان این بود که: اگر عراق به ایران بار دیگر تهاجم کند، مانند اوایل جنگ - مثلاً خوزستان و یا کردستان را اشغال کند - آیا آقایان چه خواهند کرد؟ بهر حال آنان بعزت آنکه به دفاع از "جنگ میهنی" و "تمامیت ارضی" و "جنگ تدافعی" و تمام معیار میهنی پرداخته اند، میبایست فسورا بتوانند به این پرسش ساده جواب گویند. اما آقایان متاسفانه، مانند سایر پرسشها از ارائه پاسخ روشن و مستقیم خود داری کرده اند. اما برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب با توجه به مواضع و نظریات ارائه شده از طرف آقایان پاسخ دهند جواب پرسش دهم میبایست به شرح زیر ارائه میگردد:

"آری ما آزاد میخواهیم آگاه و جمهوریخواهان ملی ایران" مانند "پاسداران و هواخواهان رژیم اسلامی (که سرزمین آباء و اجدادی خود را دست دارند و تصمیم گرفتن در باره سر نوشت میهن خود و نظام سیاسی آنرا حق خود میدانند، به دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور (میپردازیم) و دشمن را مجبوره عقب نشینی (میکنیم) " زیرا "جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمام معیار میهنی است." (نقل به معنی از پاسخ آقایان پاسخ دهند به پرسش پنجم)

اینست آن جوابی که آقایان در هنگام تهاجم و عراق به خاک ایران دادند و در صورت تکرار (مگر اینکه دست از مواضع کنونی خود بردارند) خواهند داد. اما آقایان متاسفانه بدلیلی چند نخواستند به آن بپردازند. حال که به پایان سخن نزد یک میثوسیم برای ادراک کردن حق مطلب ما چند سوال ابتدائی ساده دیگر از آقایان پاسخ دهند. امیدواریم این بار با صراحت و روشنی به آنها جواب گویند: شما آقایان محترمی که در نیای حرف و سخن درباره "جنگ تمام معیار میهنی" و دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی ایران به میان میآوردید و شاید هیچکس مانند شما نتوانسته است از حقوق ملت ایران به دفاع برخیزد، و واقعا به گفته های خود ایمان و اعتقاد دارید، چرا هنگامیکه عراق به ایران تهاجم و کرد و قسمتهای از خاک ایران را اشغال نمود، در جنگ میهنی رژیم و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران بر علیه دشمن تهاجم و کار شماره ۱ خارجی ایران شرکت نکردید؟ چرا با این همه آگاهی و روشن بینی و اعتقادات عمیق ملی عمل نخواستید

پیشاپیش پاسداران و سربازان و هواخواهان رژیم جمهوری اسلامی در جنگ میهنی شرکت کنید تا آنها و شما بتوانید در لیرانه دشمن تجا و زگر را از خاک میهن بیرون رانید؟ شما می‌توانستید بجای این همه سخن سرائی آنهم در خارج از کشور، در داخل مرزهای ایران حماسه‌های بس شگرفی از میهن پرستی بیافرینید و نمونه‌های ارزنده‌ای برای پاسداران و سربازان و مردم فریب خورده و ناآگاه میهن باشید. چرا بدین امر مهم مبادرت نورزید؟

همانگونه که خوانندگان عزیزملاحظه می‌نمایند، ما تا حدودی کوشش نمودیم تا بتوانیم پرسش‌های دهگانه‌ای که آقایان پاسخ دهند نتوانسته بود بد رستی جوابگویند را پاسخ گوئیم. هدف از این امر اینست که بتوانیم درباره جنگ ایران و عراق، بمشابه یکی از مسایل اساسی و بسیار مهم جامعه ایران، به رفع ابهامات و موضعگیریهای اشتباه آمیزی که چون بختگی بر سر برخی از نیروهای اپوزیسیون سایه افکند، نائل گردیم. ما امید داریم این بحثها هرچه بیشتر ادامه یابد و سایر نیروهای د مکراتیک، آزاد یخواه و مترقی نیز بتوانند بسهم خود در این راه در رفع اشکالات و ابهامات بکوشند. همچنین ما امید داریم آقایان پاسخ دهند، جواب به پرسشهای مطرح شده در این نوشته را ارائه دهند و آنرا را اختیار از همان عمومی قرار دهند. تا مردم آگاه و کلیه نیروهای د مکراتیک، آزاد یخواه و مترقی درباره آن به قضاوت بنشینند. تا راستی از ناراستی باز شناخته شود.

انتشارات آزادی ایران

آدرس: SAYADI

B.P. 211

92220 BAGNEUX

CEDEX, FRANCE

بها: برابر ۱۲ فرانک فرانسه